

ابن عربی و ارث انبیاء

ویلیام چیتیک

ترجمہ: ہوشمند دھقان

ابن عربی (۱۱۶۵ - ۱۲۴۰م) ممکن است به عنوان بزرگترین فیلسوف مسلمان، دیده شود؛ مشروط بر آنکه فلسفه را در معنای موسّع و امروزی آن منظور نماییم و نه در معنای محدود آن که نمایندگان ممتازش، ابن سینا و ملاصدرا به حساب می‌آیند. پژوهشگران غربی و نیز سنت متاخر اسلامی غالباً ابن عربی را به عنوان يك صوفی می‌شناسد؛ گرچه خود وی چنین ادّعایی نداشته است و آثار وی نیز تمامی حوزه‌های علوم اسلامی، به‌ویژه، تفسیر قرآن، حدیث، فقه، اصول فقه، کلام، فلسفه و تصوّف را شامل می‌گردد. برخلاف غزالی (که گستره آثارش مشابه با او است) ابن عربی در مضامین معینی خود را محدود و گرفتار نمی‌نماید؛ بلکه بیشتر تمایل دارد تا علوم مختلف را در اثری موضوعی که حجم آن از يك یا دو ورق تا چند هزار صفحه بالغ می‌گردد؛ گرد هم آورد و درهم بیامیزد. در عین حال او از مباحثات متعالی اعراض نمی‌نماید و از اینکه مطلبی را در آثار مختلفش تکرار نماید؛ روی بر نمی‌گرداند. متصوّفه او را "شیخ اکبر" نامیده‌اند و این عنوان بدین مفهوم می‌باشد که هیچ‌کس دیگری قادر نبوده و نخواهد بود که با چنین جزئیات و ژرفایی مفاهیم هزارتوی منابع سنت اسلامی را بگشاید.





ابن عربی، وارث انبیاء

ویلیام چیتیک

هوشمند دهقان

تهران، ۱۳۹۳

سرشناسه: چیتیک، ویلیام سی، ۱۹۴۳ م. Chittick, William C.

عنوان و نام پدیدآور: ابن عربی، وارث انبیاء / ویلیام چیتیک،

مترجم: هوشمند دهقان

مشخصات نشر: تهران: پیام امروز، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ صفحه

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۷۰۶ - ۶۱ - ۴

ISBN: 978 - 964 - 5706 - 61 - 4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Ibn' Arabi: Heir to the Prophets, 2007.

یادداشت: نمایه

موضوع: ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق.

موضوع: عارفان - قرن ۷ ق - سرگذشتنامه

شناسه افزوده: دهقان، هوشمند، ۱۳۴۸ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ج ۲ الف ۲ / ۲۷۹ BP

رده‌بندی دیویی: ۸۹۳۴ / ۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۹۰۲۴۶



نشریه امیر

ابن عربی، وارث انبیاء

نویسنده: ویلیام چیتیک

مترجم: هوشمند دهقان

ناشر: پیام امروز

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ اول: نوروز ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر

چاپ و صحافی: معرفت

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

نشانی ناشر: تهران، خیابان لبافی نژاد، تقاطع فخررازی، شماره ۲۰۰، تلفن: ۶۶۴۹۱۸۸۷

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۷۰۶ - ۶۱ - ۴

فهرست مندرجات

۱۱	پیشگفتار مترجم
۱۷	معرفی
۲۳	زندگی ابن عربی
۳۳	باب یکم: میراث محمدی
۳۵	میراث
۳۷	فتح (گشایش)
۳۹	خاتم محمدی
۴۱	خواندن قرآن
۴۲	ادراک خدا
۴۴	معرفت نفس
۴۷	ارضِ واسعِ خداوند
۴۸	وارث
۵۳	باب دوم: محبتان خداوند
۵۵	تخلُّق به اسماء
۵۸	صورت الهی و انسانی
۵۹	محبت غیر تامّ
۶۳	باب سوم: اصول الهی محبت
۶۴	وجود
۶۶	محبوبِ معدوم
۶۹	اعیان
۷۲	پیدایش محبت
۷۵	عرش محبت
۷۷	محبت انسانی
۷۷	سعادت
۷۸	فقر
۸۱	کمال
۸۵	باب چهارم: کیهان‌شناسی ذکر
۸۵	ذکر
۸۷	نبوت

فهرست مندرجات

۹۰.....	کتابِ نَفْس
۹۱.....	نَفْسِ رَحْمَان
۹۵.....	معرفتِ اسماء
۹۶.....	جامعیت
۹۸.....	وصول به مرتبت حضرت آدم
۹۹.....	عَبْدِ کَامِل
۱۰۱.....	بیت الله
۱۰۳.....	باب پنجم: معرفت و تحقیق
۱۰۴.....	معرفت
۱۰۶.....	نفع
۱۰۹.....	صورت الهی
۱۱۱.....	علمِ معتبر
۱۱۲.....	تقلید
۱۱۴.....	تحقیق
۱۱۶.....	تَلْبِیسِ خَلْق
۱۱۸.....	اعطا کُلِّ شَیْءٍ عَقَبَهَا
۱۲۰.....	حقوق خدا و انسان
۱۲۱.....	حقِ نَفْس
۱۲۵.....	باب ششم: زمان، مکان و عینیتِ معیارهای اخلاقی
۱۲۵.....	روش‌شناسی تحقیق
۱۲۹.....	زمان و مکان
۱۳۰.....	مکان
۱۳۱.....	زمان
۱۳۲.....	ازلیت
۱۳۴.....	تحوّل
۱۳۵.....	اخلاق
۱۳۷.....	گمشده عالم
۱۴۱.....	باب هفتم: البین (آنچه در "بین" است)
۱۴۲.....	حقیقت

فهرست مندرجات

۱۴۴	جهان بینی بَیْنِت
۱۴۶	خیال تکوینی
۱۴۸	نَفْس
۱۵۰	بُن نَفْس
۱۵۱	مجادلات
۱۵۳	خدایان معتقد
۱۵۷	باب هشتم: تجلی خیال برزخی
۱۶۰	خودآگاهی
۱۶۱	مرگ
۱۶۳	محبت
۱۶۷	باب نهم: هرمنوتیک رحمت
۱۶۸	تفسیر قرآن
۱۷۰	ظن خیر در باره خداوند
۱۷۳	رجعت به سوی حضرت رحمان
۱۷۵	رحمت وجود
۱۷۷	سبقت رحمت
۱۸۰	عبودیت ذاتی
۱۸۱	فطرت
۱۸۳	عذاب شیرین
۱۸۷	اختلاف مزاج
۱۸۹	تسلیم
۱۹۵	کتابنامه نویسنده
۱۹۹	منابع مورد استفاده مترجم
۲۰۳	نمایه (اصطلاحات، نامها و کتابها)



علائم اختصاری که در این کتاب به کار رفته است:

ق. قرآن [کریم]

ف. فتوحات مکیه، ابن عربی، ۴ جلدی، چاپ قاهره، ۱۹۱۱م

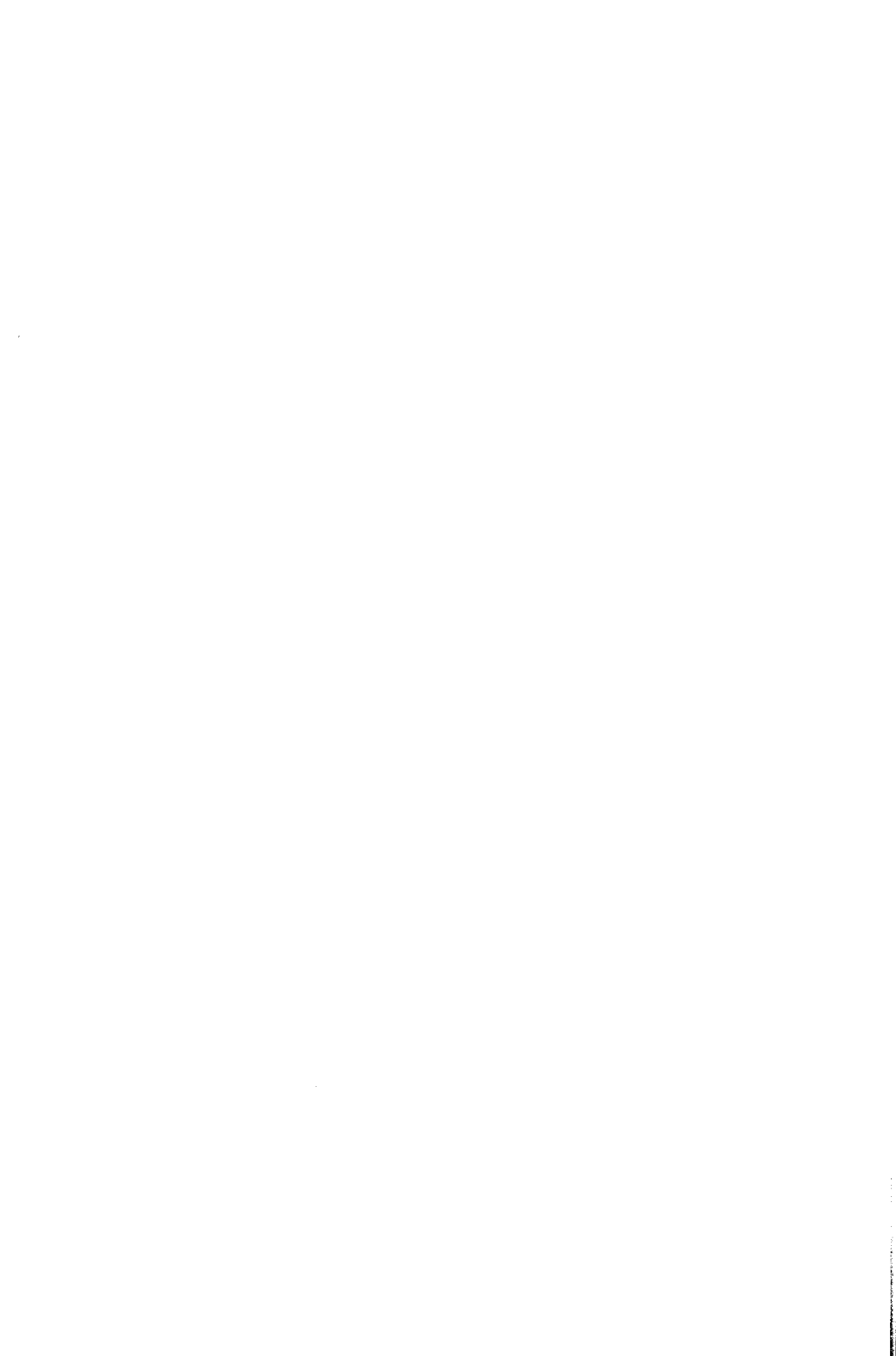
فص. فصوص الحکم، ابن عربی، تصحیح الف. عقیفی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۴۶م

د. دیوان ابن عربی، ببئی، میرزا محمد شیرازی، بدون تاریخ چاپ.

ذ. ذخائر الاعلاق، ابن عربی، تصحیح م. عبدالرحمن الکردی. قاهره ۱۹۶۸م

ر. رساله الشیخ الی الامام الرضی در رسائل ابن عربی. حیدرآباد- دکن: دائرة المعارف

العثمانیه، ۱۹۴۸.



پیشگفتار مترجم

نیت مترجم و مُراد راقم این سطور، آن است که به رسم معهود بر این صفحه آغازین، خطوطی بنگارد و مطالبی را عرضه و تقدیم دارد که حکم درآمدی بر مطالب نویسنده را داشته باشد و معبری گردد که خواننده مشتاق از طریق آن به دنیای مصّف راه یابد.

ولی پیش از آن و در ابتدای این مطلب، فرصت را مغتنم شمرده و از کلام و عبارات خود نویسنده، مستفید می‌گردد؛ تا هم بر لطف کتاب بیافزاید و هم تناسب و سنخیت پیشگفتار و اصل گفتار که در حکم رأس کتاب و هیکل آن است را مراعات نماید و محفوظ دارد.

لذا در این مقام به درج بخش آغازین از مدخل "ابن عربی" که در دائرة المعارف استانفورد منتشر گردیده و به قلم توانای ویلیام سی. چیتیک، مؤلف کتاب حاضر، تألیف یافته است؛ مبادرت می‌نماید:

ابن عربی (۱۲۴۰-۱۱۶۵م) ممکن است به عنوان بزرگترین فیلسوف مسلمان، دیده شود؛ مشروط بر آنکه فلسفه را در معنای موسّع و امروزی آن منظور نماییم و نه در معنای محدود آن که نمایندگان ممتازش، ابن سینا و ملاصدرا به حساب می‌آیند. پژوهشگران غربی و نیز سنت متأخر اسلامی غالباً ابن عربی را به عنوان يك صوفی می‌شناسد؛ گرچه خود وی چنین ادّعایی نداشته است و آثار وی نیز تمامی حوزه‌های علوم اسلامی، به‌ویژه، تفسیر قرآن، حدیث، فقه، اصول فقه، کلام، فلسفه و تصوّف را شامل می‌گردد. برخلاف غزالی (که گستره

آثارش مشابه با او است) ابن عربی در مضامین معینی خود را محدود و گرفتار نمی‌نماید؛ بلکه بیشتر تمایلی دارد تا علوم مختلف را در اثری موضوعی که حجم آن از يك یا دو ورق تا چند هزار صفحه بالغ می‌گردد؛ گرد هم آورد و درهم بیامیزد. در عین حال او از مباحثات متعالی اعراض نمی‌نماید و از اینکه مطلبی را در آثار مختلفش تکرار نماید؛ روی برنگی گرداند. متصوّفه او را "شیخ اکبر" نامیده‌اند و این عنوان بدین مفهوم می‌باشد که هیچ‌کس دیگری قادر نبوده و نخواهد بود که با چنین جزئیات و زرفایی مفاهیم هزارتوی منابع سنت اسلامی را بگشاید.

نوشته‌های شیخ اکبر، در فاصله یکصد سال پس از درگذشت او در جهان اسلام، نشر و گسترش یافت؛ امّا در مغرب‌زمین، آثار مزبور تا دوران معاصر، ناشناخته باقی ماند. خاورشناسان متقدّم به‌استثنای يك یا دو نفر، به‌سبب آنکه ابن عربی تأثیر محسوسی در اروپا نداشت؛ توجه کمی به او مبذول داشتند. افزون‌براین، آثار او که به صعوبت و دشواری، سوء شهرت داشت؛ باعث گردید تا بدین بهانه که او يك صوفی یا پاتنه‌ایست است؛ به‌سادگی و بدون آنکه به خود زحمت خواندن نوشته‌هایش را بدهند؛ از وی عزل‌نظر نمایند. امّا از هنگامی که کتاب‌های هانری کربن (۱۹۵۸) و ایزوتسو (۱۹۶۶) منتشر گردید؛ شیخ به‌عنوان اندیشمندی جامع‌الاطراف و نوآفرین، به میزان بیشتری در جهان فلسفه مطرح گردید. مع‌الوصف هر دو آنها (کربن و ایزوتسو) توجه و تمرکز خود را بر اثر کوچک ابن عربی یعنی "فصوص الحکم"، معطوف و محدود داشته‌اند. با اینکه "فصوص الحکم" برای مدتی طولانی کانون توجه سنت شرح و تفسیر بود؛ مع‌الوصف تنها جزء کوچکی از آنچه را که شیخ در اثر چاپ‌های حجیم خود "فتوحات مکیّه" عرضه داشته بود؛ نمایان می‌ساخت. لیکن در سال‌های اخیر، نگاه محققین متوجه فتوحات شده است که در چاپ جدیدش به ۱۵۰۰۰ صفحه بالغ می‌گردد؛ با این وجود تا کنون (۲۰۰۸م) کمتر از ده درصد آن به زبان‌های غربی ترجمه شده است و همین‌قدر هم به اندازه‌ای بسنده، شرح و تفسیر نشده است.

در این بین، برخی از محققان به همسویی میان ابن عربی و اشخاصی مثل اِکهارت و کوسانوس (سیلز ۱۹۹۴، شاه کاظمی ۲۰۰۶، سمیرنوف ۱۹۹۳) اشاره

نموده‌اند و سایرین اظهار نموده‌اند که شیخ، گرایش‌هایی در علم فیزیک (یوسف ۲۰۰۷) و یا فلسفه مدرن (الموند ۲۰۰۴، کوتس ۲۰۰۲، دوبیه ۲۰۰۷) را پیش‌بینی نموده است. اما جدی‌ترین تلاش‌ها در جهت تطبیق او با تاریخ فلسفه غرب، بر مفهوم "برزخ" در نظریه ابن عربی تأکید می‌نماید (چیتیک ۲۰۰۸) و مدعی است که این مقوله، راه‌حل مناسبی است برای مسئله تعریف امر تعریف‌ناشدنی که شناخت‌شناسی را از دوران ارسطو تعقیب نموده و به فروماندگی و نومیذی فلاسفه مدرن همچون رورتی، رهنمون شده است. (بشیر ۲۰۰۴)

گروهی دیگر از پژوهشگران، وی را با متفکرین شرقی، نظیر شانکارا، زوانگ زی و دوگن مقایسه و تطبیق نمودند. (شاه کاظمی ۲۰۰۶، ایزوتسو ۱۹۶۶ و ۱۹۷۷) و در زمانی که چنین شباهت‌هایی برای محققان پیشامدرن در قرون ۱۸ و ۱۹، پوشیده بود؛ مسلمانان چین، مدرسه چینی‌زبان (هن کتاب) را تأسیس نمودند که وامدار میراث ابن عربی بود و جهان‌بینی اسلامی را در مصطلحات برجای مانده از مکتب کنفوسیوس، عرضه می‌داشت. (موراتا ۲۰۰۸) و سرانجام آنکه مقولات اندیشه شیخ، توسط طیف متنوعی از محققان و هواداران او در نشریه انجمن محیی‌الدین ابن عربی *Journal of the Muhyiddin 'Arabi Society* که از ۱۹۸۳م آغاز به انتشار نموده است؛ به علاقمندان معاصر، معرفی می‌گردد.^۱

اما پروفیسور ویلیام چیتیک (۱۹۴۳م) برای دوستداران آثار ابن عربی در ایران، نویسنده‌ای نام‌آشنا و چهره‌ای پُرآوازه است و به یقین مبین می‌توان گفت که وی از زنده‌ترین ابن عربی‌پژوهان حال حاضر، به‌شمار می‌آید. او بیش از چهل سال از عمر خود را وقف تحصیل، مطالعه و تحقیق در زبان‌های فارسی و عربی و نیز عرفان و ادیان شرقی نموده است و در این عمر، مقالات و کتب فراوانی را

۱ - تا اینجا کلیه مطالب، برگرفته از توضیحاتی است که نویسنده کتاب در دائرةالمعارف استانفورد، ذیل مدخل "ابن عربی" مرقوم داشته‌اند:

در زمینه عرفان اسلامی و به‌ویژه آراء "ابن عربی" تدوین و تصنیف نموده است و کماکان نیز به کمال قوت بر این امر اهتمام دارد. خوشبختانه بعضی از آثار ارزنده وی به زبان شکرین فارسی نیز برگردانده شده است^۱ و کتاب حاضر نیز از جمله متأخرترین تألیفات نویسنده است که به فارسی، ترجمه و تقدیم می‌گردد. عنوان کتاب یعنی "ابن عربی، وارث انبیاء" برگرفته از یکی از القاب شامخه‌ای است که ابن عربی به تلویح ابلغ از تصریح، برای خود مقرر داشته است^۲ و در کنار سایر مقولات چالش‌انگیز اندیشه او، اسباب مباحثات و مجادلات فراوانی در میان متکلمین و اصحاب نظر گشته است. در این میان، ذکر دو نکته، لازم به نظر می‌رسد:

نویسنده در طی کتاب تنها به موضوع "وراثت"، بسنده نمی‌نماید و مواضع گوناگون دیگری از اندیشه ابن عربی را عرضه می‌دارد و گرچه مباحث مزبور از دقت و ظرافت تحقیقات آکادمیک برخوردار است؛ اما بالنسبه به سایر آثار مصنف (تا آنجا که مترجم آگاهی دارد) از زبان ساده‌تری برخوردار می‌باشد. معالوصف در مواردی که لازم به نظر می‌رسید؛ توضیحات و اشاراتی از سایر منابع (و به‌ویژه آثار دیگر نویسنده) به‌عنوان پی‌نوشت، اضافه گردید تا علاوه بر آنکه عصای دست خوانندگان ارجمند واقع شود؛ دالانی نیز میان این کتاب و تألیفات دیگر ویلیام چیتیک برقرار گردد.

نکته دیگری که ذکرش ضروری می‌نماید؛ آنست که گرچه در بین تألیف پیش‌رو و دیگر مصنفات نویسنده که قبلاً به فارسی ترجمه شده است،

۱ - از جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: "در آمدی بر تصوف و عرفان اسلامی"; "من و مولانا"; "راه عرفانی عشق"; "شرح سرفصل‌های فصوص‌الحکم"; "طریق عرفانی معرفت"; "عوالم خیال: ابن عربی و مسئله اختلاف ادیان".

۲ - چنانکه در مقدمه کتاب "فصوص‌الحکم" اظهار می‌دارد: "و لست بنبی رسول و لکنی وارث لآخرتی حارت" (من نه پیغامبرم و نه فرستاده؛ اما وارث هستم و کشت‌کننده آخرت) "فصوص/ خواجوی/ ۵/ و نیز بنگرید به: "فتوحات مکیه" ۲۲۳/۱ و "فتوحات" ۸۴/۳/ قیصری (متوفی ۱۳۵۰م/ ۷۵۱ ه. ق.) نیز که از پیروان نامی مشرب ابن عربی است در مقدمه شرح خود بر کتاب "فصوص"، شیخ اکبر را "وارث انبیاء و مرسلین" می‌نامد. "شرح قیصری بر فصوص‌الحکم" / خواجوی/ ۴/

همپوشی^۱ و مشترکاتی موجود است؛ اما درجه این شباهات به اندازه‌ای نیست که تحقیق حاضر را بتوان اثری مکرر و یا حتی چکیده و خلاصه‌ای از تحقیقات پیشین نویسنده به حساب آورد. زیرا آنچه که تازگی و طراوت مطالب را به‌رغم وحدت عناوین و موضوعات تضمین و تأمین می‌نماید؛ آنست که شیخ‌اکبر، مقولات عمده نظریه خود را به‌صورتی چندبُعدی و یا چندوجهی مطرح می‌نماید و این امتیاز به محقق، این امکان را می‌دهد که در هر نوبت از تحقیق که بدین بوستان قدم گذارد، از زاویه و افقی جدید به موضوعی واحد، بنگرد و وجهی متفاوت و دری نو بگشاید و با خود، طبّقی از گل و ورقی از معنا به ارمغان آرد. فی‌المثل، مبحث "نفس رحمان" را هم در این کتاب (فصل چهارم) و هم در کتاب "طریق عرفانی معرفت" از نویسنده، می‌توان ملاحظه نمود؛ یا موضوع "بهشت و دوزخ" که علاوه بر آنکه در این مجموعه (فصل آخر، تحت عنوان: عذاب شیرین) ارائه می‌گردد؛ در کتاب "عوالم خیال" نیز که هر دو از خامه ویلیام چیتیک قلمی گشته؛ موجود و مسطور است؛ اما در هر دو مورد و نمونه ذکر شده، نحوه طرح بحث و ارائه مطلب و حتی جزئیات ذکر شده، غالباً متفاوت و اساساً جدید است.

اما پس از توضیح نکات لازمه و در خاتمه، آنچه که بر ذمه مترجم باقی می‌ماند؛ قدردانی و حق‌شناسی از دوستانی است که وی را در این مسیر معاونت و یاری نموده‌اند؛ لذا پیش از همه و صمیمانه، سپاس خود را به نویسنده کتاب، دکتر ویلیام چیتیک تقدیم می‌دارد که مترجم را بر ترجمه این کتاب، مأذون فرمود و در يك نوبت، در حینی که به شدت سرگرم اتمام یکی از تألیفات خویش بود و در خلال معدود فرصت‌هایی که داشت؛ مشکلات و سؤالات وی را به دقت پاسخ گفت و لغزش‌های موجود را در همان حیطه ممکن، تعدیل و تحدید نمود.

پس از ایشان مترجم خود را مدیون تشویق و همراهی دوست مهربان و شفیق، جناب آقای بهنام کیانی می‌داند که هم در تهیه منابع مورد نیاز و هم در انتشار کتاب، مساعدت شایانی فرمود.

به‌علاوه وظیفه او است که از انتشارات "پیام امروز" و به‌ویژه جناب آقای محمدعلی مرادی که از انتشار این مجموعه، به گرمی استقبال فرمودند؛ تقدیر نماید و مراتب امتنان خود را تقدیم دارد.

و این قلم، هرگز فراموش نخواهد نمود که از دوست عزیز و فاضلی که بر خواندن کلمه به کلمه رونوشت این اوراق، اهتمام نموده و خطاها و اشتباهات انشائی و تایپی آن را در نهایت خضوع بر مترجم آشکار و گوشزد فرمود؛ یادی نماید.

امید است که این مجموعه، مورد توجه و مقبول طبع و ذائقه هموطنان شریف، واقع شده؛ "آگاهی بخشد و بر بینایی بیفزاید". اگر چنین شود؛ مترجم، مُراد خود را برآورده و مقصود خویش را حاصل خواهد دید.

زمستان، ۱۳۹۰

هوشمند دهقان

معرفی

این عربی، متولد ۱۱۶۵م در اسپانیا؛ مؤثرترین و بحث‌برانگیزترین متفکر مسلمان در نهمصد سال گذشته است. سنت صوفیه، او را به‌عنوان "شیخ‌اکبر" ملاحظه می‌کند. بدین معنا که وی آقدم شارحین آموزه‌های خویش بود.^۱ گرچه تحقیقات متأخر، به‌درستی در خصوص چنین عناوین پرطمطراقی، تردید دارند؛ اما شواهد کافی موجود است که این عنوان به‌خصوص، بی‌جهت نیست. کتاب حجیم ابن عربی، فتوحات مکیّه، متنی را فراهم آورده است که به لحاظ کمی، بیشتر از کتب غالب نویسندگان پرباری است که در طول زندگانی خویش نوشته‌اند.^۲ هنوز نسخ خطی چند صد اثر دیگر از ابن عربی در کتابخانه‌ها پراکنده‌اند و تنها شماری از کتابها و رسالات او به چاپ رسیده‌اند.

اما "عظمت" با فربه‌گی، سنجیده نمی‌شود؛ لذا واضحاً ضروری است که به مضامین همه این صفحات، توجه کنیم. احتمالاً کسی تا به حال همه نوشته‌های

۱ - با وجود عمق و پیچیدگی که آثار ابن عربی دارد؛ طبیعی است که شروع فراوانی بر آنها نگاشته شده باشد و در این بین، نخستین شرح و تفسیرها متعلق به خود اوست. مثلاً ابن عربی مجموعه اشعار عاشقانه خود با عنوان "ترجمان الاشواق" را در طی تألیفی دیگر با نام "ذخائرالاعلاق" شرح نمود و نیز بر اثر مهم دیگرش "فضوص الحکم" شرحی با عنوان "نقش الفصوص" نگاشت که نخستین و قدیمی‌ترین شرح بر این کتاب می‌باشد. م

۲ - درباره وسعت معلومات وی این جمله از ابن عماد، گفتنی است که می‌نویسد: "وی در هر فنی از اهل آن فن آگاه‌تر است". (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی/ ج ۴/ ص ۲۲۷). م

ابن عربی را نخوانده است؛ و تا کنون فقط معدودی از متخصصین مدعی شده‌اند که تمامی فتوحات را خوانده‌اند. بماند که "خواندن"، امری است و "فهمیدن"، امری دیگر. آثار ابن عربی همواره در زمره مشکل‌ترین نوشته‌ها ملاحظه شده است. این امر، چند علت دارد. علی‌الخصوص می‌توان به دانش شگفت‌انگیز، مباحث پیوسته متعالی؛ دیدگاه‌های دائم‌التغییر و سبک‌های متنوع شیخ، اشارت نمود. تحلیل و توضیح یک صفحه از فتوحات، چند صفحه متن عربی را طلب می‌کند و اگر ترجمه چنین متنی به زبان‌های غربی منظور باشد؛ این وظیفه بسیار بغرنج‌تر می‌گردد. ممکن است گمان شود که دشواری آثار ابن عربی، به واسطه آنست که او آثار اسلاف را بی‌مورد و به نحوی پیچیده تکرار نموده است. ولی در واقع ما با رویکردی از معارف اسلامی مواجه هستیم که به گونه‌ای قابل توجه، بدیع و بی‌مثیل است. چنانکه نمی‌توان برای او، سلفی را تصور نمود. البته، در سده‌های پیشین نویسندگانی بودند که تعالیم صوفیه را با مهارتی نظری بیان می‌نمودند؛ اما حتی در قیاس با بزرگترین آنها، چون غزالی، ابن عربی گسستی بنیادین را به نمایش می‌گذارد. غزالی به نمایندگی از سنت کثیری از صوفیه متقدم ما از "کشف" سخن می‌گوید؛ که عبارت از دانش بی‌واسطه‌ای است که خداوند به اولیای خاص خود، عطا می‌فرماید. وی می‌گوید که نباید "کشف"^۱ به کتابت درآید. (گرچه خود او هیچ‌گاه به سفارش خویش پای‌بند نیست). ابن عربی این ممنوعیت را به کناری می‌روید و ثمر کشف^۲ را می‌پراکند تا همگان،

۱ - در نظر ابن عربی کشف عبارت از "علمی است که خداوند در قلب عالم می‌افکند و نوری الهی است که آن کس را که بخواهد بدان مختص می‌فرماید" (أن العلم الصحيح إنما هو ما يقذفه الله في قلب العالم وهو نور الهی يختص به من يشاء...)، پرواضح است که مبنای تعریف ابن عربی از کشف، روایتی از نبی اکرم است که می‌فرماید: "ألعلم نور يقذفه الله في قلب من يشاء" یا چنین توصیفی، کشف در مقابل علم کسبی و حاصل از تفکر، قرار می‌گیرد. به عقیده ابن عربی، علم صحیح، کشف است چنانکه او می‌گوید: "آنکه کشف ندارد؛ علم ندارد" (من لا کشف له لا علم له) "فتوحات" / ج ۱ / ص ۲۱۸. م

۲ - در نامه‌ای فارسی، صدرالدین قونوی، فرزندخوانده و مرید ممتاز ابن عربی، اصطلاح "ثمرات کشف" را به‌کار می‌برد: "درباره برخی مسائل اساسی، بر این آرزو بوده‌ام تا نتایج برگرفته از استدلالات منطقی را با ثمرات کشف و عیان با یکدیگر آشنا سازم." "مکتب ابن عربی" / جیتیک / رامین خانگی به نقل از قیسات / ۲۴ / ۱۰۵

آن را عیان ببینند. البته نبایست تصور شود که ابن عربی در طی کتابت "مکاشفات، مشاهدات و ذوقیات خود، به سادگی لمحاتی عطش‌انگیز از عالم روحانی در سلوکی خیالی و عارفانه، بیافریند. ممکن است با خواندن معرفتی فوق‌العاده استفان هیرتشتاین از زندگانی بیرونی و احوال درونی ابن عربی یعنی "بخشنده بی‌انتهای: اندیشه و حیات معنوی ابن عربی"^۱ این احساس به آدمی دست دهد که ابن عربی در درجه نخست، یک صوفی بوده است. هیرتشتاین مقدار شایانی از سرگذشت‌های خودنگاشت ابن عربی و تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از این رؤیایها و مکاشفات را از بطن آثار قبلاً بررسی شده او، ترجمه می‌نماید. مع‌الوصف، اکثریت وسیعی از نوشته‌های او با چنان دقتی منطقی مستدل گردیده‌اند که وی را در روند اصلی پژوهش اسلامی قرار می‌دهد. پس از درگذشت ابن عربی در ۱۲۴۰م، تعلیماتش به سرعت در سراسر جهان اسلام گسترش یافت و در طی این انتشار به هر سرزمینی که اسلام راه یافت از آفریقای سیاه و بالکان گرفته تا به اندونزی و چین؛ این تعلیمات نیز سرایت نمود. البته دلیل این گسترش آن نبود که ارباب نخله‌های گوناگون مباحثات منطقی که اکابر مسلمان را تشکیل می‌دادند؛ مرعوب اعتبار عرفانی ابن عربی گشتند. بالعکس، آنها به واسطه استدلال متین و گستره دانش وی متقاعد گردیده بودند. در حقیقت، آنها بدین لحاظ مجذوب او گردیدند که وی با اقتباس از تمامی گنجینه معارف اسلامی، ادله‌ای متین ارائه نمود تا صحت عقایدش را اثبات نماید. چه بسیار از این فضلا که دیدگاه بنیادین وی را پذیرفته و مواجهه شایسته‌ای با اصطلاح‌شناسی او نمودند^۲ و بسا کسانی که تعلیماتش را نقد نموده و یا به طوری فراگیر محکوم نمودند^۳. ولی هیچ محقق موجهی نتوانست به سادگی

1- "The Unlimited Mercifier: The Spiritual Life and Thought of Ibn Arabi"

۲- در زمره این افرادند: امام فخرالدین رازی، شاه نعمت‌الله ولی، حیدر آملی و سعدالدین حموی. به این عده، فیروزآبادی (متوفی ۱۴۱۴م) را نیز باید افزود که در یمن با صدور فتوایی سعی کرد تا قداست ابن عربی را اثبات نماید و سلطان التاصر را که به توقیف و جمع‌آوری آثار ابن عربی قیام کرده بود؛ سرزنش کند و محکوم نماید. ("سفری بازگشت" / ص ۲۹). م

۳- از جمله: ابن تیمیه و ابن خلدون از سرسخت‌ترین مخالفان او بودند. در واقع ابن ابن تیمیه، مجتهد و فقیهی نامدار (متوفی ۱۳۲۸م)، بود که پرچم مخالفت با آراء ابن عربی را در اوائل قرن ۱۴ میلادی ←

او را نادیده انگارد.

نظرات و دیدگاه‌های ابن عربی نه محدوده‌ای داشت و نه مخاطبین خاصی که انسان انتظارش را دارد. به‌علاوه این آموزه‌ها به همه زوایا و روزنه‌های تمدن اسلامی رخنه نمود. این امر به انحاء مختلف محقق گشت؛ به‌ویژه به‌واسطه طریقت‌های عرفانی موجود و در دسترس، که نقش عمده‌ای در شکل‌گیری جوامع در تمامی عالم اسلام داشتند. حتی چند طریقت مدعی گشتند که او یکی از عقلاء و آباء معنوی آنهاست.^۱

محبوبیت ابن عربی در میان صوفیه نبایست بدین مفهوم تلقی شود که کثیری از آنها آثار ابن عربی را می‌خوانده‌اند. به‌واقع، اکثریت وسیعی از صوفیه، اهل تحقیق نبودند و از تعلیمات لازمه جهت مطالعه آثار ابن عربی، بی‌بهره بودند. لیکن اینان عموماً به‌شیوه‌ای عقلانی، که اغلب سر از راهنمایی و معلمی درمی‌آورد، به زبانی سخن می‌گفتند که عمدتاً به‌وسیله ابن عربی و مریدان بلافصلش مرسوم شده بود.

اندیشه ابن عربی به اشعار ارزنده زبان‌هایی مثل فارسی، ترکی و اردو نیز راه یافت. بسیاری از شعرا در گهواره تعلیمات صوفیه تربیت شده بودند و مفاهیم و دیدگاه‌های ترسیم‌شده مکتب فکری او را به‌کار می‌بردند.^۲

→ برافراشت و در حدیث با شیخ‌اکبر نهایت اهتمام نمود و فهرست بزرگی از اتهامات را تهیه نموده و منتشر ساخت. ابن‌خلدون (متوفی ۱۳۲۸م)، مؤلف کتاب "مقدمه" نیز اصحاب و پیروان ابن عربی را مرتد و "رجال وحدت وجود" می‌نامد. هو در طی فتوایی نوشت: "در باب این چنین کتب و رسائل و آثاری (مانند فصوص و فتوحات ...) باید هر جا که آنها را بیابند بسوزانند و نابود کنند؛ یا آنها را در آتش بسوزانند و یا با آب بشویند". پس از این دو نیز بسیاری از مخالفان علیه ابن عربی نوشتند بر او اتهام بستند و آثار او را به سخریه گرفتند. چنانکه دامنه این منازعات حتی به قرن بیستم نیز امتداد یافت و مجلس عوام مصر، دستور داد تا "فتوحات مکیه" را از کتاب‌فروشی‌ها جمع‌آوری کنند. گرچه این حکم در مراحل بعدی ملغی گشت. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک به کتاب‌های "سفری بازگشت" ص ۲۶ و ۲۷ و ۱۸۷ و "در جستجوی کبریت احمر" هر دو اثر از کلود عداس ص ۴۱۵ به بعد و "فصوص‌الحکم" ترجمه خواجوی، مقدمه مترجم ص ۲۳ به بعد. م

۱ - زرین‌کوب، دو طریقت اکبریه و حاقمیه را از پیروان ابن عربی ذکر می‌نماید. (ارزش میراث صوفیه / ۸۶ چاپ هفتم / امیرکبیر / ۱۳۷۳)

۲ - از شاعران فارسی‌گوی متأثر از ابن عربی می‌توان به عراقی، مغربی، محمود شبستری، عبدالرحمان جامی و شاه نعمت‌الله ولی اشاره نمود. م

در نیمه دوم سده نوزدهم، ابن عربی تاحدی به سبب همین تأثیر نافذش و اشتهااری که حاصل نموده بود، به آماج اصلاح طلبان و نوگرایان مبدل گشت. او خصوصاً و صوفیه عموماً به عنوان دلیلی دم‌دست برای همه کاستی‌های جامعه سنتی اسلامی برگزیده شدند.

اخیراً، تمایل به مطالعه آثار او در سراسر جهان اسلام، چرخشی نمایان را نشان می‌دهد. به‌ویژه نسل جوانی که از نحله‌های مختلف ایدئولوژی مدرن، و از جمله آخرین آنها، بنیادگرایی، سرخورده شده‌اند. بسیاری از خاورشناسان پیشین، نظر به عدم انسجام، از ابن عربی عزل نظر نموده بودند. اما کارهای بعدی همچون مطالعات پیشگامانه هانری کربن و توشیهیکو ایزوتسو، ابن عربی را حرمتی دانشگاهی بخشید.^۱ محققین درباره مفاهیم نوشته‌های وی هرطور که فکر کنند؛ نمی‌توانند این را انکار کنند که ابن عربی در تاریخ اسلام، نقطه عطفی بوده است و نقش سرنوشت‌سازی در مسیر تمدن اسلامی متأخر داشته است.

آنان که هنوز رسالتی فرهنگی برای غرب قائل هستند و به تفوق عقلانیت علمی بر همه دیگر اشکال دانش معتقدند؛ ممکن است این‌طور فکر کنند که تأثیر فراگیر ابن عربی بر تمدن اسلامی پیشامدرن، خود دلیل بسنده‌ای علیه او می‌باشد. دیگران اما، شاید او را ندایی جانبخش بیابند که بر موقعیت عالم انسانی در هر زمان و هر مکانی پرتو می‌افکند.

۱ - هانری کربن در آثار مختلف خویش و از جمله "تخیل خلاق و عرفان ابن عربی" به او پرداخته است و ایزوتسو نیز در مطالعه تطبیقی خود "صوفیسم و تائوئیسم" مکتب ابن عربی را با تائوئیسم، مقایسه نموده است. م



زندگی ابن عربی

متون عربی عموماً وی را ابن العربی می‌نامند. وی غالباً آثارش را با نام ابو عبدالله محمد ابن العربی الطائی الحاتمی، امضاء می‌کند. او به عنوان "محبی‌الدین" (زنده‌گرداننده دین) هم نامیده گشته است. ابن عربی در ۱۱۶۵م در مُرسیه اندلس در اسپانیا دیده به جهان گشود. پدرش علی، ظاهراً در دستگاه حکمران شهر، محمد بن سعد بن مُردنیش، خدمت می‌نمود. مُرسیه در سال ۱۱۷۲م به دست سلسله موحدون تصرف گردید و علی، خانواده‌اش را به اشبلیه منتقل نمود. و در آنجا بار دیگر به خدمت حکومت درآمد. ابن عربی در محیط‌های درباری، رُشد نمود و تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که تحت تعلیمات نظامی نیز قرار گرفت.^۱ وی همچنین به فرمان حاکم اشبلیه در سیمت منشی، مشغول گشت و با دختری به اسم مریم از خانواده‌ای متنفذ، ازدواج نمود. ابن عربی در اوان کودکی، هیچ آموزش مذهبی غیر معمولی دریافت نداشت و خود او به ما می‌گوید که بیشتر اوقاتش را با دوستانش به تفریح و شادمانی گذراند. اما در اوایل نوجوانی

۱ - کلود عداس در چند موضع از کتاب "سفری بازگشت" بدین امر اشاره می‌نماید و می‌نویسد: "از آنجا که یگانه فرزند ذکور خانواده به‌شمار می‌رفت به تقلید از پدرش و مطابق با رسم زمانه، به صف لشکریان داخل شد" (ص ۳۷ و ۳۸) و نیز همو عبارات خود شیخ را نقل می‌نماید که می‌گوید: "وقتی به قدر کافی بزرگ گشتم تا شمشیر بر میان بدم؛ به جای آنکه سر خویش به کتاب و دفتر فرو برم ... از سواری بر مرکب خویش بازماندم ... و با تیغ بر آن در میان لشکریان به تاخت و تاز مشغول گشتم." (ص ۳۰)

ندایی روحانی که او را به سوی رؤیتی^۱ از خداوند دلالت نمود؛ وی را مسحور خود نمود. مشاراًلیه نقل می‌کند که هر آنچه متعاقباً گفته یا نوشته است "تفصیل آن امر کلی است که آن نظره دربردارد".^۲ (ف: ج ۲ ص ۵۴۸ س ۱۱)

در این مرحله اولیه او چند مرتبه حضرت مسیح را زیارت نمود که ابن عربی او را شیخ اول^۳، در طریق الی الله می‌نامد. پدر ابن عربی تحویل پسرش را با دوست فیلسوفش که قاضی نیز بود یعنی ابن رشد، در میان گذاشت. بدین خاطر و بنابه روایت ابن عربی، ابن رشد درخواست ملاقاتی نمود. مذاکرات رد و بدل شده در چندین پژوهش پیرامون ابن عربی گزارش شده است؛ به ویژه هانری کربن، بر شکاف وسیعی تأکید می‌کند که ابن عربی، بین معارف رسمی متفکرین عقل‌گرا و مکاشفه "عارفان" یعنی همانان که بصیرتی حقیقی از طبیعت اشیاء داشتند؛ تشخیص داده بود.

۱ - "رؤیت" به معنای دیدن در بیداری است که در مقابل رؤیا قرار می‌گیرد. چنانکه شاه نعمت‌الله ولی از شارحان آثار شیخ اکبر می‌نویسد: "و آنچه در بیداری دیده شود رؤیت گویند و آنچه در خواب بینند رؤیا." ("ترجمه نقش‌الفصوص" / تحب مایل هروی / ص ۱۸) خود شیخ در تعریف "رؤیت" می‌نویسد که: "الرؤية المشاهدة بالبصر لا بالبصيرة حيث كان" ("رسائل ابن عربی" / ص ۴۱۷) آن‌طور که پیداست؛ ابن عربی نظریه خود درباره مسئله "رؤیت" را بر مبنای حدیث ذیل از حضرت علی «ع» و یا احادیث مشابه، ابراز نموده است: "ما رأيتُ شيئاً إلا رأيتُ الله قبله" (فرمودند: شئی را ندیده‌ام مگر آنکه پیش از آن خدا را رؤیت نموده‌ام) البته در مقابل، آموزه‌ای در شریعت اسلام و آیاتی از قرآن موجود است که رؤیت خداوند را (حدافل در این جهان) ناممکن اعلام می‌دارد. از جمله این موارد می‌توان به آیه کریمه "لا تُدركهُ الأبصار و هو يُدركُ الأبصار" (چشم‌ها او را در نمی‌یابد ولی او چشم‌ها را در می‌یابد) اشاره نمود. وجود چنین موارد متقابلی در مجموع، دیدن خداوند را به موضوعی پارادوکسیکال تبدیل نموده است که دامنه مباحثات و مجادلات طرفین موضوع به پیش از ابن عربی امتداد می‌یابد. چنانکه نویسنده نیز در فصل دوم کتاب پیش رو (مبحث: غیرتأم) اظهار می‌دارد؛ معتزله رؤیت خداوند را ناممکن می‌دانستند؛ اما در مقابل اشاعره به دیدار خداوند در آخرت باور داشتند. م

۲ - کل ما تأتي به بعد ذلك في جميع كلامنا إنما هو تفصيل لذلك الأمر الكلي تتضمنه تلك النظرة". م

۳ - His first guide ممکن است مقصود نویسنده این عبارت از ابن عربی باشد که می‌نویسد: "...عیسی... هو شیخنا الأول الذي رجعنا علي يديه وله بنا عناية عظيمة" ("فتوحات" / ج ۳ / ص ۳۴۱ و نیز "... عیسی ع ... وكان له نظر الينا في دخولنا في هذا الطريق التي نحن اليوم عليها" (فتوحات) / ۱ / ۱۵۵).